

مقاله پژوهشی: تحلیل گزینه‌های راهبردی و نقشه‌های کلان و عملیاتی آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری «جو بایدن»

۲۰.۱۰۰۱.۱.۳۳۲۹۲۵۳۸.۱۴۰۱.۱۲.۴۵.۹.۲

اصغر افتخاری، داود رزمزانی تکلیمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

چکیده

اقدامات آمریکا در اشکال جنگ نرم، سخت و ترکیبی و نیز سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ج.ا.ایران را با تهدیدهای اساسی و هزینه‌های فراوان سیاسی، امنیتی، اقتصادی و... روبرو کرده است. تبیین سناریوهای اولویت‌دار دولت کنونی آمریکا می‌تواند کمک شایانی در جهت جلوگیری از غافلگیری در برابر سیاست‌های سخت احتمالی آن کشور در برابر ج.ا.ایران بنماید؛ بنابراین هدف اصلی این تحقیق، تبیین و تحلیل راهبردهای آمریکا در دوره جو بایدن علیه ج.ا.ایران است؛ این پژوهش از نوع کاربردی و توسعه‌ای است و به روش توصیفی-تحلیلی انجام گردیده و با استفاده از طراحی جداولی تحلیلی ناظر بر شرایط کاربردی هر راهبرد، داده‌های به دست آمده تحلیل شده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند که آمریکا به دنبال اقدام نظامی مستقیم با ایران نیست؛ بلکه مواردی مانند تداوم تحریم اقتصادی، امنیتی کردن موضوع ایران، کاهش مشروعیت داخلی و... از سناریوها و راهبردهای محتمل آمریکا علیه ج.ا.ایران در سال ۲۰۲۲ خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: آمریکا، ج.ا.ایران، جو بایدن، مهار دوجانبه، منزوی‌سازی.

۱. استاد علوم سیاسی (گرایش جامعه‌شناسی سیاسی) دانشگاه امام صادق(ع) a.eftkhari@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تهدیدات امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی (نویسنده مسئول)

davood1973ramezani@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

سابقه دشمنی و خصومت ایالات متحده آمریکا و ج.ا.ایران به واقعه سرنوشت‌ساز انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بازمی‌گردد که به واسطه آن، آمریکا اصلی‌ترین متحد منطقه‌ای خود را از دست داد و جای آن را کشوری گرفت که نه تنها معادلات منطقه‌ای از پیش تنظیم شده ابرقدرت غرب زمان را به هم ریخت؛ بلکه رفته رفته خود را به قدرتی منطقه‌ای تبدیل نمود تا جایی که تمام اهرم‌های به‌کار گرفته شده در طول بیش از ۴۰ سال گذشته، ناکارآمدی خود را به وضوح نشان دادند: ایجاد درگیری‌های جداطلبانه مرزی، جنگ تحمیلی ۸ ساله، تحریم‌های شدید و همه‌جانبه اقتصادی از سوی آمریکا، سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا به مدت بیش از ۱۳ سال و پس از آن هم اتهام‌افکنی‌های بی‌محابا و بی‌پایان در سه رأس مثلث تهدیدات با عناوین حمایت از تروریسم، عدم رعایت حقوق بشر و در نهایت تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای که البته در گزارش منتشر شده از سوی «برایان هوک» رئیس پیشین گروه اقدام علیه ایران، رأس دیگری از این تهدید با عنوان «تهدیدات زیست‌محیطی» نیز به آن اضافه شد و «مثلث تهدید» ایران را به «مربع تهدیدات» تبدیل کرد.

در تمام ادوار گذشته تهدیدات اعمالی از سوی آمریکا علیه ج.ا.ایران تضعیف نشده و حتی می‌توان اذعان داشت که به‌مرور شدت هم یافته است و تنها تفاوت آن را باید در نوع سیاست‌های اتخاذی برای پیاده‌سازی این تهدیدات در نظر گرفت. نقطه عطف این تغییرات دوران ۸ ساله ریاست جمهوری باراک اوباما بود که به امضای توافقنامه هسته‌ای با ج.ا.ایران (برجام) انجامید؛ این توافق با روی کار آمدن دونالد ترامپ چندی نپایید و پیرو وعده‌های انتخاباتی خود که این توافق را «بدترین توافق تاریخ» نامید از آن خارج شد. در دوره جو بایدن به ظاهر اوضاع اندکی تفاوت کرد؛ لذا دغدغه محقق این است که برخورد احتمالی آمریکا پس از خروج آمریکا از برجام و بدعهدی‌های اروپا با ج.ا.ایران چگونه خواهد بود؟ تحقیق حاضر از این جهت دارای اهمیت است که با حصول به نتایج آن می‌توان دریافت

که آیا آمریکا در دوره بایدن رأساً برخورد سخت و نظامی را با ج.ا.ایران برخواهد گزید یا اینکه شرایط جدید سیاسی حاکم بر آمریکا و از طرف دیگر عدم اولویت داشتن برخورد با ایران هسته‌ای، احتمالاً باعث خواهد شد تا بایدن همچنان بر اهرم فشار و تحریم اقتصادی با عنوان «فشار حداکثری» پافشاری نماید؛ این آگاهی در اتخاذ سیاست لازم و صحیح در برخورد با آمریکا به‌ویژه در مذاکرات هسته‌ای، مسیر روشنی را پیش‌روی مسئولین دستگاه سیاست خارجی کشور قرار خواهد داد. ضرورت انجام تحقیق از این جهت است که عدم توجه و پرداختن به این مهم، ممکن است کشور را در مسیری قرار دهد تا به امید گشایش سیاسی در مذاکرات، تمرکز اصلی را بر روی مفاهیم با آمریکا و یا اذتاب آن‌ها قرار داده و از توجه به اقدامات سخت و نظامی که می‌تواند در صورت وقوع، منافع و امنیت ملی کشور را مورد تهدید جدی قرار دهد غفلت نماید که خسارات جبران‌ناپذیری را موجب خواهد شد؛ از این‌رو هدف اصلی تحقیق حاضر تبیین راهبردها و نقشه‌های کلان و عملیاتی آمریکا در دوره جو بایدن علیه ج.ا.ایران است و محقق به دنبال تأثیرات متغیرهای وابسته و مستقل بر یکدیگر نیست؛ بنابراین محقق از رایه فرضیه خودداری نموده و هدف و سؤال پژوهش یعنی چیستی راهبردهای آمریکا در دوره جو بایدن علیه ج.ا.ایران را دنبال می‌نماید.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

پیشینه تحقیق

سهرابی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تهاجم نظامی آمریکا به عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران» در بیان علت حمله آمریکا به عراق نوشته است: جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا در «بیانیه اتحاد» خود به‌کنگره در دی‌ماه ۱۳۸۱ از «محور شرارت» که به زعم وی از کشورهای ایران، عراق و کره شمالی تشکیل شده‌اند سخن به میان آورد و اعلام نمود که رژیم عراق طرح تولید گاز اعصاب و سیاه‌زخم و سلاح‌های اتمی را به مدت یک دهه

دنبال کرده است؛ همچنین او احتمال داد که برای براندازی دولت عراق از زور استفاده خواهد کرد.

در مقاله آهویی (۱۳۹۵) به پارادایم اتحادهای آمریکا در منطقه در دوره ترامپ اشاره می‌کند و می‌نویسد: ترامپ می‌خواهد بار اصلی حفظ امنیت منطقه و هزینه‌های آن را بر دوش متحدین سنتی آمریکا قرار دهد؛ لذا آمریکا در عین حفظ حضور نظامی خود در خلیج فارس از درگیری مستقیم با ایران خودداری کرده و در عوض به توانمندسازی متحدین خود می‌پردازد.

برزنونی و فرهادی (۱۳۹۹) به سیاست‌های ترامپ در منطقه علیه ایران پرداخته و می‌نویسند: ترامپ از سال ۲۰۱۸ آغازگر جنگی نیابتی علیه ایران شده و بارها مواضع گروه‌های مقاومت را مورد تهاجم قرار داده است. در ۳ ژانویه ۲۰۲۰ با دستور مستقیم ترامپ نیروهای آمریکایی با بمباران فرودگاه بغداد، پروژه ترور شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس را عملیاتی کردند.

احسان کیانی و ابراهیم حاجیانی در نشریه آینده‌پژوهی دفاعی (۱۳۹۹) به «سناریوهای محتمل توافق هسته‌ای ایران پس از انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا با استفاده از روش سناریونویسی لمپ» پرداخته‌اند؛ درحالی‌که این پژوهش تصمیم دارد به راهبردهای رئیس جمهور جدید آمریکا علیه ج.ا.ایران در سه شکل برخورد سخت، نرم یا نیمه‌سخت بپردازد. ابراهیم متقی نیز در تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۹) طی یادداشتی بلند در مقام پاسخ به این سؤال برآمده که «دمکرات‌ها بعد از جنگ دوم جهانی از چه الگو و سازوکاری در برخورد با ایران بهره گرفته‌اند؟» که البته در مقطعی از زمان مشابهت با تحقیق حاضر را دارد؛ اما با دوره اوباما به پایان می‌رسد؛ در حالی‌که این پژوهش، صرفاً عملکرد دولت کنونی آمریکا را مد نظر دارد، آن هم با ویژگی‌هایی که ایران امروزی در برابر آمریکا از خود نشان داده است.

در نشریات خارجی، دو تارنمای «آسیانیوز مونیتور» و «وال استریت ژورنال» گزارش‌هایی را به چاپ رسانیده‌اند در مورد اینکه «ایران اگر تمایل به مذاکره دارد بایستی از ادامه

اشتباهات خود در منطقه خودداری کند» (Asia News Monitor; Bangkok 22 Feb 2021). یا اینکه «بایدن اگر قصد بازگشت به برجام را دارد بایستی قطعنامه‌های سازمان ملل را محترم بشمارد» (Asia News Monitor; Bangkok 19 Nov 2020). یا اینکه «بایدن تحریم‌های ایران را لغو نخواهد کرد» (Asia News Monitor; Bangkok 09 Feb 2021). و یا گزارش دیگری که به «هشدار بایدن به تهران در مورد حمله ایران به سوریه پرداخته است» (Asia News Monitor; Bangkok 01 Mar 2021). و (El-Fekki, Amira; Sune Engel Rasmussen. Wall Street Journal; New York, 26 Feb 2021.) که اگرچه از لحاظ محتوایی تا حدودی به موضوع این پژوهش نزدیک می‌باشد؛ اما صرفاً دیدگاه‌های غربی را مطرح ساخته و فاقد تحلیل‌های مرتبط با موضوع می‌باشد در حالی که این پژوهش نگاهی تحلیل‌محور و آینده‌پژوهانه به موضوع دارد.

مفهوم شناسی تحقیق

- راهبرد

راهبردها تصاویر آینده‌های ممکن هستند که در طی مراحل مختلف صورت می‌گیرند. راهبردها به سبب گوناگونی عوامل و نیروهای سازنده آینده، با پیچیدگی در پیش‌بینی آن‌ها در آینده مواجه هستیم؛ هنگامی که صحبت از راهبرد می‌کنیم در واقع در تلاش هستیم تا مواردی که برای مطالعه و تعیین عوامل سیاسی و امکاناتی که برای تحقق اهداف خود دنبال می‌کنند اولویت دارند مشخص کنیم (حاجبانی، ۱۳۹۰: ۲۶۵).

مبانی نظری تحقیق

- راهبردهای مقابله در روابط بین‌الملل

مهم‌ترین گزینه‌های راهبردی برای مقابله با دیگر بازیگران عبارتند از: «مهار دوجانبه و منزوی‌سازی»؛ راهبرد «تحریف» با تأکید بر قدرت نرم و براندازی نرم و استحاله فرهنگی و اجتماعی، راهبرد «بحران و آشوب» با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی و آشوب

اجتماعی؛ راهبرد «فشار حداکثری»؛ و راهبرد «جنگ ترکیبی» (سیاسی، تحریم اقتصادی، نظامی، شناختی، سایبری و اطلاعاتی)

- امکان سنجی راهبردهای دولت جو بایدن

الف: راهبرد مهار دوجانبه و منزوی سازی

این راهبرد مستند به توانایی‌های منحصر به فرد بازیگر عامل در استفاده از ضعف‌های بازیگر هدف طراحی شده و در نهایت از طریق بستن دسترسی‌های هدف، نسبت به تسلیم و یا فروپاشی از درون آن اقدام می‌نماید. مؤلفه‌های اصلی این راهبرد به شرح جدول زیر است:

جدول شماره (۱) - مؤلفه‌های اصلی راهبرد مهار دوجانبه و منزوی‌سازی (محققان)

شرایط محیطی	شرایط ناظر بر بازیگر هدف	شرایط ناظر بر بازیگر عامل	هدف راهبرد	راهبرد «مهار دوجانبه و منزوی سازی»
۸. بی اعتباری بازیگر هدف در نظام بین‌الملل ۹. سلطه عامل در کنترل تحولات محیطی	۴. عدم همکاری با دیگر کشورها ۵. کاهش مراودات با همسایگان ۶. اتلاف انرژی سامانه امنیتی برای مقابله با قومیت‌ها ۷. افزایش هزینه (دور زدن محدودیت)	۱. حمایت از اپوزیسیون‌های خارج از کشور ۲. محدودیت کشورها در همکاری با بازیگر هدف ۳. توان تعریف و انتشار بلک‌لیست‌های جدید	- اختلال در روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی - اختلال در روابط با همسایگان - توسعه اختلافات قومیتی - انسداد مجاری اقتصادی - مهار نفوذ بازیگر هدف	

با توجه به جدول فوق، کاربست این راهبرد منوط به وجود ۹ شاخص در چهار محور

اصلی به شرح زیر است:

محور اول، تحلیل شرایط بازیگر عامل (آمریکا):

شاخص (۱)، حمایت از اپوزیسیون‌های خارج از کشور

«جو بایدن» رئیس جمهور کنونی آمریکا در یادداشتی در پایگاه سی.ان.ان با عنوان «راه هوشمندانه‌تری برای سخت گرفتن بر ایران وجود دارد» نوشت: «من هیچ تردیدی درباره چالش‌ها و مشکلاتی که رژیم ایران بر منافع امنیتی آمریکا، دوستان و شرکای ما و بر مردم خودش تحمیل می‌کند، ندارم؛ اما همان‌گونه که راه ترامپ وجود دارد، همزمان راه هوشمندانه و حساب شده دیگری نیز برای سخت‌گیری علیه ایران هست؛ ما با متحدانمان برای تقویت و گسترش مفاد توافق هسته‌ای کار خواهیم کرد و همزمان به دیگر نگرانی‌ها نیز توجه خواهیم کرد» (www.mashregnews.ir).

شاخص (۲)، محدودیت کشورها در همکاری با ج.ا.ایران

جو بایدن و طرفداران وی تنها راه حل پایان دادن به تهدیدات تسلیحاتی - هسته‌ای و منطقه‌ای ایران را قرار دادن این کشور در بن بست راهبردی و خفگی اقتصادی می‌دانند (خوشکار، ۱۳۹۹).

شاخص (۳)، توان تعریف و انتشار بلک لیست‌های جدید.

آمریکا برای مشخص کردن نهادها و افراد مرتبط با تروریسم دو فهرست دارد: فهرستی که توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا تهیه می‌شود و فهرستی که توسط وزارت امور خارجه آمریکا و طبق قانون مهاجرت و ملیت آمریکا تهیه می‌شود. آمریکا تاکنون فهرست‌های متفاوتی را توسط این دو سازمان علیه مقامات، گروه‌ها و شرکت‌های داخلی و خارجی وابسته به ج.ا.ایران منتشر کرده و در تمامی آن‌ها تلاش داشته تا فشار انزوا را بر اقتصاد کشور بیش از پیش افزایش دهد (منتظران، ۱۳۹۸).

محور دوم، تحلیل شرایط بازیگر هدف (ج.ا.ایران)

شاخص (۴)، عدم همکاری با دیگر کشورها

برخی از کشورهای منطقه برای دستیابی به اهداف، منافع و نیز تأمین امنیت خود، به قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای متوسل می‌شوند و یا در پی عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی که تا پیش از این، اصلی‌ترین تهدید کشورهای عرب منطقه به‌شمار می‌رفت در می‌آیند. نتیجه این سیاست، ایجاد تنش در روابط دولت‌های منطقه با یکدیگر، افزایش جو بی‌اعتمادی و دخالت فراگیر عامل بیگانه است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۳۴).

شاخص (۵). کاهش مراودات با همسایگان

یکی از اهداف استراتژیک آمریکا از دهه ۱۹۸۰ به‌ویژه در شرق منطقه غرب آسیا، اعمال استراتژی مهار و انزوای ایران با کشورهای همسایه خود بوده و در این راستا از ابزارهایی همچون «ایران هراسی» و «شیعه هراسی» بهره برده است.

شاخص (۶). ائتلاف انرژی سامانه امنیتی برای مقابله با قومیت‌ها

ظهور افکار ناسیونالیستی مانند پان عربیسم، پان ترکیسم و پان ایرانیسم و توطئه‌های بیگانگان و منفعت‌طلبان با ایجاد تفرقه میان مذاهب مختلف اسلامی، ضعف رهبران در اداره امور جامعه، وجود برخی حکومت‌های اقتدارگرا، بحران مشروعیت در کشورهای عربی و موج بیداری تحت‌تأثیر دمکراسی خواهی، درگیری‌های سیاسی و مذهبی درون منطقه‌ای، ناآرامی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی در اثر جنبش‌های آزادی خواهی از جمله عوامل آسیب‌پذیری کشورهای منطقه از جمله ج.ا.ایران است (امیراحمدی، ۱۳۸۴: ۷۵).

شاخص (۷). افزایش هزینه (دور زدن محدودیت)

ج.ا.ایران از بدو زمان قطع ارتباط آمریکا در ۲۰ فروردین ۱۳۵۹ تاکنون درگیر تحریم‌های وضع شده از سوی آمریکا بوده است؛ تحریم‌هایی که در سال ۲۰۱۳ به «تحریم نظام بانکی ایران» انجامید و مسئولین کشور را وادار ساخت تا بیش از گذشته، هزینه گزافی را برای دور زدن تحریم‌ها بپردازند. دور زدن تحریم‌ها طی ۱۶ سال اخیر، بین ۳۰۰ تا ۴۰۰

میلیارد دلار هزینه بر اقتصاد ایران تحمیل کرده و در نتیجه باعث شکل گرفتن فساد بزرگی شده که «ذی‌نفعان جدی» دارد (آفتاب یزد، ۱۴۰۰).

محور سوم. تحلیل شرایط محیطی

شاخص (۸)، بی‌اعتباری ج.ا.ایران در نظام بین‌الملل

تغییرناپذیری رویکرد مخرب واشنگتن در قبال ج.ا.ایران پس از به قدرت رسیدن بایدن نیز به تدریج ظهور یافت. سوم مارس سال جاری (۲۰۲۱) کاخ سفید سندی ۲۴ صفحه‌ای را با عنوان راهنمای راهبردی موقت امنیت ملی آمریکا منتشر نمود که بازتاب نگاه تیم سیاست خارجی و امنیت ملی بایدن و در آن، چهار مرتبه از کلمه «ایران» در کنار کره شمالی به‌عنوان بازیگران منطقه‌ای نام برده شده است که پیگیری ظرفیت‌ها و تکنولوژی‌های تغییردهنده بازی را ادامه می‌دهند (www.basirat.ir).

شاخص (۹)، سلطه عامل در کنترل سازمان‌های بین‌المللی

با تغییر دولت اوباما در آمریکا و بر اساس سیاست خارجی ترامپ؛ علی‌رغم گزارش‌های مکرر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر اجرای کامل تعهدات برجامی از سوی ایران، کارشکنی در این توافق با ایجاد مجموعه‌ای از نقض، بدعهدی، تأخیر، تعلل و تخطی از اجرای برجام بیش از پیش در دستور کار دولت ترامپ قرار گرفت به نحوی که آمریکا از تأیید پایبندی ج.ا.ایران به مفاد برجام، خودداری و از آن جهت که ناتوانی این توافق در جلوگیری از دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای خوانده شد در ۱۳۹۷/۰۲/۱۸ از این توافق خارج گردید (افتخاری، خیراتی، ۱۳۹۸: ۲۸)؛ اما آمریکا نه تنها به موافقت‌نامه بین‌المللی برجام متعهد نماند؛ بلکه مانع از همکاری دیگر کشورهای جهان با ایران به منظور انجام هرگونه همکاری اقتصادی که منجر به تداوم حیات اقتصادی کشور شود گردید تا جایی که اجازه خرید حتی یک بشکه نفت از ایران را نیز به آن‌ها نداد تا بتواند شعار خود را مبنی بر «به صفر رساندن فروش نفت ایران» محقق سازد.

ب: راهبرد تحریف

این راهبرد مستند به تصویرسازی غلط و فریب ادراکی است که دشمن در یک نبرد هوشمند و ترکیبی و با بهره‌گیری هم‌زمان از اعتباربخشی به تهدید نظامی از یک‌سو و شرطی‌سازی اقتصاد کشور هدف، با به راه انداختن نبرد رسانه‌ای در مسیر فریب افکار عمومی عمل می‌کند؛ مؤلفه‌های اصلی این راهبرد به شرح جدول شماره ۲ است:

جدول شماره (۲) - مؤلفه‌های اصلی راهبرد تحریف (محققان)

شرایط محیطی	شرایط ناظر بر بازیگر هدف	شرایط ناظر بر بازیگر عامل	هدف راهبرد	
۶. وجود گسل بین مذاهب ۷. عدم به‌کارگیری متخصصین در پست‌های مدیریتی کشور	۳. کاهش مقبولیت رسانه‌های داخلی ۴. باقی ماندن اقدامات دولت در حد شعار ۵. ترور شخصیت مسئولان نظام و دولتمردان	۱. به زیر سؤال بردن رویکردهای ایدئولوژیک بازیگر هدف ۲. حمایت از گروه‌ها، نظام‌ها و کشورهای رقیب با بازیگر هدف	استحاله نظام	راهبرد «تحریف»

با توجه به جدول شماره ۲، کاربست این راهبرد منوط به وجود ۷ شاخص در چهار محور اصلی به شرح زیر است:

محور اول، تحلیل شرایط بازیگر عامل (آمریکا):

شاخص (۱)، به زیر سؤال بردن رویکردهای ایدئولوژیک بازیگر هدف

اگرچه پروژه «اسلام‌هراسی» بیشتر با راهبرد «دیگر پنداری» غرب ضد اسلام شناسانده می‌شود که واقعیتی انکارناپذیر است؛ اینکه چرا غرب در تبلیغ این دیدگاه؛ علی‌رغم سستی مبانی عقلی آن از توفیق نسبی برخوردار است، پرسش مهمی است که از منظر راهبردی پرداختن به آن برای بازیگران مسلمان اهمیت دارد. اسلام‌هراسی دارای دو چهره متفاوت

اما مکمل هم است؛ اول، چهره بیرونی (سلبی) و دوم، چهره درونی (ایجابی). عامل توفیقی نسبی اسلام‌هراسی سلبی و پدیدار شدن گونه ایجابی آن در گستره جهان اسلام است که زمینه و مؤیدات لازم را به عاملان اسلام‌هراسی سلبی برای مستندسازی دعاوی خویش ضداسلام و جهان اسلام ارایه کرده است (افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۰).

شاخص (۲)، حمایت از گروه‌ها، نظام‌ها و کشورهای رقیب با بازیگر هدف

اسلام‌ستیزی؛ در واقع حاصل تصور غلط پیشین شکل گرفته در مرحله اسلام‌هراسی است که در مرحله گذار به اسلام‌ستیزی خود را به صورت عملی خشونت‌آمیز ناشی از هراس نشان می‌دهد؛ در سال‌های اخیر اقدام‌های گروه‌های افراطی و متعصب مسلمان، بروز بحران مالی و تبعات آن و بیکاری فزاینده که به ایجاد جو مهاجرت‌ستیزی منجر شده؛ در شکل‌گیری و تقویت جریان اسلام‌ستیزی نقش بسیار مؤثری داشته است (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۱۷).

محور دوم، تحلیل شرایط بازیگر هدف (ج.ا.ایران)

شاخص (۳)، کاهش مقبولیت رسانه‌های داخلی

بیشتر کشورها از طریق برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی سعی در کنترل و پیشگیری آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی دارند و رادیو و تلویزیون وسیله مناسبی برای رسیدن به اهداف برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی است؛ از سوی دیگر رسانه‌های جمعی می‌توانند خود عامل بروز آسیب‌های اجتماعی باشند (دهقان، ۱۳۹۷). انواع رسانه‌های مکتوب، دیداری و شنیداری، اینترنتی و دیجیتالی می‌توانند بر نوع شکل‌گیری افکار عمومی تأثیر گذاشته؛ روندهای سیاسی و اجتماعی هر جامعه را به سمت‌وسوی خاص هدایت کنند و با ظرفیت‌های خاص خود به منبعی برای تهدید علیه امنیت ملی کشورها در عرصه جنگ نرم تبدیل شوند (ماه‌پیشانیان، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۶۲).

شاخص (۴). باقی ماندن اقدامات دولت در حد شعار

در آغاز هر سال جدید، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با تعیین «شعاری کانونی»، مسیری را پیش روی کشور و دولت طراحی می‌کنند تا با هدف‌گذاری دقیق، راه‌کارهای لازم برای دستیابی به این اهداف را مشخص نمایند؛ اما نه تنها در اقدامات دولت، پیشرفتی در این زمینه قابل رؤیت نیست؛ بلکه گویی با نوعی کارشکنی، وضعیت در همان حوزه، نسبت به سال قبل‌تر از آن، بدتر نیز شده است که این امر را می‌توان هم ناشی از سوء مدیریت دانست و هم نوعی اختلال‌افکنی در روند پیشرفت کشور و البته تخریب جایگاه عظیمای رهبری به‌عنوان حکمران اصلی کشور؛ به‌طور حتم این وضعیت؛ به معنی فراهم آوردن فرصت مناسب جهت نقش‌آفرینی معاندین نظام برای به انحراف کشاندن افکار عمومی جامعه و انتشار این معنای نادرست که شعارهای تعیین شده از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، توانایی چاره‌سازی حل مشکلات کشور را ندارد و هدف از این اقدام، دامن زدن و شدت بخشیدن به جوّ ناراضی‌ای ایجاد شده در جامعه و البته تلاش برای افزودن پیاده‌نظام مخالفین و ناراضیان جمهوری اسلامی می‌باشد.

شاخص (۵)، ترور شخصیت مسئولان نظام و دولتمردان

از بعد از انقلاب اسلامی تاکنون؛ ترورهای مسلحانه که با انجام سوءقصد به بسیاری از مقامات عالی‌رتبه‌ی کشوری و لشگری انجام شده است؛ نشان داد که این اقدامات؛ نه تنها میزان تنفر مردم و جامعه را نسبت به این گروه‌های تروریستی که عموماً از منافقین بوده‌اند بیشتر می‌کند؛ بلکه حس همگرایی را در میان مردم علیه این گروه‌ها بیش از گذشته افزون می‌سازد؛ لذا در سال‌های اخیر شاهد بودیم که این اقدام با تغییر رویکرد به ترور شخصیت تبدیل شده و تلاش دارد تا با بدنام کردن مسئولین نظام و نسبت دادن اتهامات ناروا، میزان اعتماد مردمی را نسبت به آنان کاهش داده و این اعتماد را در جبهه دشمن پایه‌ریزی نمایند؛ الگویی که در انتخابات اخیر ریاست جمهوری کشورمان با تلاش رسانه‌های غربی و با شدت تمام انجام

گرفت؛ اما بصیرت و آگاهی بخشی رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) مانع از موفقیت آنان گردید.

محور سوم، تحلیل شرایط محیطی:

شاخص (۶)، وجود گسل بین مذاهب

آزادی مذاهب در ج.ا.ایران به عنوان یکی از نقاط قوت کشور مفروض می باشد؛ اما با توجه به آمایش قومیتی و مذهبی در کشور که عمدتاً همجوار با کشورهای می باشند که محل حضور قدرت های منطقه ای و جهانی نیز می باشد؛ موجب شده تا تمرکز و توجه کشورهای متخاصم با ج.ا.ایران را به خود جلب و تلاش نمایند تا با تحریک مذاهب گوناگون به ویژه میان شیعه و سنی مانع از همگرایی و اتحاد میان آنها شده و کشور را با رخدادهای امنیتی مواجه نمایند که نمونه های آن را در برخی سخنرانی های مولوی ها در استان های سنی نشین شاهد بوده ایم.

شاخص (۷)، عدم به کارگیری متخصصین در پست های مدیریتی کشور

مشروعیت نظام ج.ا.ایران در پیشگاه افکار عمومی جامعه و به ویژه نسل جوان کشور در سایه کارآمدی نظام خواهد بود. ج.ا.ایران اگر در فضای رقابتی با دیگر کشورهای مسلمان جهان؛ همچون مالزی، اندونزی و ... عقب بماند و نتواند معضلات اساسی مردم را حل کند، با بحرانی به نام «بحران مشروعیت» مواجه خواهد شد که در صورت پدیدار شدن، موجب می گردد تا حکومت بر مردم از یک طرف و رضایت مردم از طرف دیگر از دست برود که در این صورت مردم ناراضی خواهند شد و «کارآمدی» نظام زیر سؤال خواهد رفت.

پ: راهبرد «بحران و آشوب»

این راهبرد متکی به محیط داخلی است؛ محیطی که تحت تأثیر نیروهای اجتماعی گریز از مرکز قرار داشته و امکان نقش یابی نیروهای نهادی و دولت ها را با دشواری های زیادی روبه رو می سازد؛ مؤلفه های اصلی این راهبرد به شرح جدول شماره ۳ است:

جدول شماره (۳) - مؤلفه‌های اصلی راهبرد بحران و آشوب (محققان)

شرایط محیطی	شرایط ناظر بر بازیگر هدف	شرایط ناظر بر بازیگر عامل	هدف راهبرد	
۶. جنبه‌های تهدیدمحور شبکه‌های اجتماعی	۴. عدم وجود تنفس‌گاه و عدم رسیدگی به نارضایتی‌ها	۱. گستره منابع مالی برای حمایت از خرابکاری	- توسعه خرابکاری - آسیب به زیرساخت‌ها	راهبرد «بحران و آشوب» با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی و آشوب اجتماعی
۷. تشریک نارضایتی بین بستگان خاطیان	۵. وجود سامانه امنیتی قوی در مهار آشوب	۲. وجود مشوق‌های شهروندی برای آشوبگران	- توسعه نافرمانی مدنی - برآورد توان کشور در مهار بحران	
		۳. کنترل مجامع و دادگاه‌های بین‌المللی	- احصای خلأهای امنیتی	

با توجه به جدول فوق، کاربست این راهبرد منوط به وجود ۷ شاخص در چهار محور اصلی به شرح زیر است:

محور اول، تحلیل شرایط بازیگر عامل (آمریکا):

شاخص (۱)، گستره منابع مالی برای حمایت از خرابکاری

«کنث کزمان» تحلیلگر ارشد مسائل ایران در «سازمان تحقیقات کنگره آمریکا» در آخرین گزارش خود با عنوان «ایران: سیاست‌ها، حقوق بشر و سیاست آمریکا» به گردآوری بودجه‌هایی پرداخته که از سال ۲۰۰۴ در قالب برنامه‌های دستگاه‌های مختلف آمریکا و برای براندازی نرم در ایران به تصویب کنگره درآمده و توضیح می‌دهد که کنگره آمریکا و دولت‌های این کشور؛ این بودجه‌ها را با هدف «ایجاد تغییرات سیاسی در ایران از طریق ارتقاء دموکراسی» تصویب کرده‌اند؛ ضمن اینکه این جدول به هزینه‌های مخفیانه‌ای که در دولت‌های مختلف آمریکا برای ناآرام کردن ایران صرف شده و معمولاً در سندهای سالانه بودجه‌ها آورده نمی‌شوند اشاره‌ای نمی‌کند.

شاخص (۲)، وجود مشوق‌های شهروندی برای آشوبگران

راهبرد آشوب در ج.ا.ایران از آن جهت برای آمریکا حائز اهمیت است که رهبران این کشور را قادر خواهد ساخت به جای صرف هزینه‌های فراوان، با کمترین هزینه‌ای و با اظهار به اینکه آشوبگران، ویزای ورود به آمریکا و کارت اقامت شهروندی را دریافت خواهند کرد، اغتشاشات و آشوب‌های اجتماعی هدایت شده به وسیله رسانه‌های جمعی را به سمت اهداف موردنظر آمریکا هدایت نماید؛ لذا آمریکا تلاش خواهد کرد با تشدید تحریم‌ها و تأثیرگذاری بر روان و ذهن مردم و ایجاد شوک‌های اجتماعی به دنبال ایجاد ناامیدی در آن‌ها باشد و مردم و نظام را در کف خیابان‌ها مقابل یکدیگر قرار دهد؛ در جریان حوادث و ناآرامی‌های سال ۱۳۹۶، ۱۳۸۸، ۱۳۷۸ و ۱۳۹۸ رهبران آمریکا بارها به صراحت حمایت خود را از معترضان و آشوب‌های خیابانی آن‌ها اعلام داشتند (زارعی، ۱۳۹۸: ۴ - ۹).

شاخص (۳)، کنترل مجامع و دادگاه‌های بین‌المللی

نفوذی که آمریکا از جهت قدرت در مراجع قضایی بین‌المللی دارد، بسیار زیاد است، لذا نمی‌توان گفت محاکم بین‌المللی به صورت عادلانه اداره می‌شوند؛ این درحالی است که احکامی که دادگاه‌های ایرانی علیه آمریکا صادر می‌کنند در کشورهای که آمریکا اموال دارد، قابل شناسایی نیست ولی احکام دادگاه‌های آمریکایی علیه ایران در بسیاری از کشورها قابل اجرا می‌باشد (آقایی، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

محور دوم، تحلیل شرایط بازیگر هدف (ج.ا.ایران):

شاخص (۴)، عدم وجود تنفس‌گاه و عدم رسیدگی به نارضایتی‌ها

هرچه میزان نارضایتی در میان صنوف و بخش‌های مختلف جامعه بیشتر شود، زمینه کشیده شدن آن به اعتراضات مدنی و سیاسی بیشتر خواهد بود؛ بررسی‌های اطلاعاتی به عمل آمده نشان داده که شرایط اجتماعی داخل کشور به حدی است که کوچکترین اعتراض صنفی و اقتصادی، در صورت عدم رسیدگی، قابلیت تبدیل شدن به یک بحران

بزرگ امنیتی را دارد؛ مصداق این ادعا را می‌توان در شورش‌های خیابانی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ مشاهده نمود که در صورت توجه در لایه‌های زیرین، امکان کنترل آن و عدم ورود بحران به لایه‌های بالاتر که هزینه‌های کنترلی آن را برای نظام بالاتر برد وجود داشت.

شاخص (۵)، وجود سامانه امنیتی قوی در مهار آشوب

تجربه حاصل از اعتراضات صنفی و تجمعات معیشتی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ موجب گردید تا وزارت کشور بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت کشور کمیته‌ای را با عنوان «رصد نارضایتی‌های عمومی» در زمینه تأمین امنیت کشور با حضور دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی تشکیل دهد؛ هدف از تشکیل این کمیته «پیگیری سریع پدیده‌های مشکل‌ساز برای مردم» و «جلوگیری از پیامدهایی تنش‌آمیز» عنوان شده است؛ این کمیته نه تنها در تهران بلکه در تمامی استان‌ها و در سطح استانداری‌ها و فرمانداری‌ها نیز تشکیل شده و اوضاع نارضایتی‌های اجتماعی، صنفی و سیاسی را بررسی می‌کند.

محور سوم، تحلیل شرایط محیطی:

شاخص (۶)، جنبه‌های تهدیدمحور شبکه‌های اجتماعی

در گستره بیکران فضای مجازی که امروزه شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، سایت‌ها، وبلاگ‌ها و برنامه‌های تلفن همراه مانند «واتساپ» و «تلگرام» میلیون‌ها انسان را در سراسر جهان به یکدیگر متصل ساخته است، دیپلماسی مجازی یا دیپلماسی توییتری (توئیلماسی) با شدت رو به تزایدی جریان دارد و دیپلمات‌ها و مقامات سیاسی کشورهای مختلف از ظرفیت‌های عظیم آن برای برقراری ارتباط بی‌واسطه با افکار عمومی جهانی استفاده می‌کنند و غیبت دیپلماسی ج.ا.ایران در این عرصه به معنای بی‌نصیب ماندن از فرصتی آسان و ارزان جهت انتقال پیام‌های سیاسی در مقیاس جهانی خواهد بود که هرگز قابل پذیرش و توجیه نیست (سعیدی، ۱۳۹۷: ۱۲۴). بررسی‌ها نشان داده که اهمیت معیارهای انتخاب تهدیدات به صورت پیچیدگی تهدید با رتبه اول، سرعت شیوع تهدید با رتبه دوم، مدت

تهدید با رتبه سوم و وسعت و دامنه تهدید با رتبه چهارم می‌باشد؛ تهدیدات نیز به ترتیب اهمیت عبارتند از: آشوب‌های خیابانی، اختلافات قومی و منطقه‌ای، ترور فرهنگی، شایعه‌پراکنی، رصد اطلاعاتی جامعه و ویروس پراکنی (اکبری، دوستدار، ۱۳۹۴).

شاخص (۷)، تشریح نارضایتی بین بستگان خاطیان

اقدامات به عمل آمده در کنترل نارضایتی میان خانواده‌های افرادی که در شورش‌های خیابانی و با هدایت رسانه‌های غربی علیه نظام جمهوری اسلامی شرکت داشته‌اند، موضوعی است که در نوع خود اهمیتی چه بسا مهم‌تر از کنترل آشوب دارد؛ برای مثال در ۱۳ آذر ۹۸، رهبر معظم انقلاب با پیشنهاد شورای عالی امنیت ملی سیاستی را تصویب نمود که به موجب آن؛ در کوتاه‌مدت کمیته‌هایی به دستور رئیس جمهور و توسط استانداران در سراسر کشور تشکیل شد تا نسبت به شناسایی و طبقه‌بندی جان‌باختگان این حادثه اقدام نماید؛ بر اساس این مصوبه جان‌باختگان به سه دسته «شهروندان عادی»، «معترضان عادی» و کسانی که در درگیری مسلحانه با نیروهای حکومتی کشته شده‌اند، طبقه‌بندی شدند؛ این اقدام موجب گردید تا هم آن دسته از مردمی که به‌طور ناخواسته درگیر اغتشاشات شده بودند به ماهیت نادرست این شورش‌ها پی ببرند و هم خانواده‌های اغتشاش‌گران به جدیت نظام در برخورد با خاطیان باور پیدا کنند.

ت: راهبرد «فشار حداکثری»

این راهبرد تأکید بر تغییر اساسی رفتار کشور هدف با محروم کردن آن کشور از منابع در دسترس خود را است تا مانند یک کشور عادی عمل کند. مؤلفه‌های اصلی این راهبرد به شرح جدول شماره ۴ است:

جدول شماره (۴) - مؤلفه‌های اصلی راهبرد فشار حداکثری (محققان)

شرایط محیطی	شرایط ناظر بر بازیگر هدف	شرایط ناظر بر بازیگر عامل	هدف راهبرد	
۷. ائتلاف‌سازی علیه کشور	۴. عدم ریشه‌یابی عمیق موضوعات بالقوه	۱. رخنه‌آوازه غرب در افکار عمومی جامعه	- بی‌اعتمادی مردم نسبت به نظام	راهبرد «فشار حداکثری»
۸. اختلاف فاحش قیمت ارز با واحد پول ملی	۵. عدم اطمینان از حمایت شرکای راهبردی کشور	۲. چیرگی بر ساختارهای بین‌المللی مالی	- بی‌اعتمادی مردم نسبت به دولت	
	۶. فرهنگ شدن ساختاری فساد اداری	۳. چیرگی بر ساختارهای سیاسی جهان	- بی‌اعتمادی مردم به مردم	
			- گسستار	
			- نارضایتی عمومی	

با توجه به جدول فوق، کاربست این راهبرد منوط به وجود ۸ شاخص در چهار محور اصلی به شرح زیر است:

محور اول، تحلیل شرایط بازیگر عامل (آمریکا):

شاخص (۱)، رخنه‌آوازه غرب در افکار عمومی جامعه

غرب‌زده‌ها تلاش می‌کنند با تغییر میدان بحث؛ برآیند حرکت انقلاب اسلامی را از جهات گوناگون ناموفق جلوه دهند؛ اما ادعای جدی‌تری که از سوی غرب‌زده‌ها مطرح است، به مشکلات و گرفتاری‌های مدیریتی یا اقتصادی برمی‌گردد که در درون جامعه اسلامی به‌خصوص جامعه ایران به‌عنوان مرکز انقلاب اسلامی وجود دارد و از نظر غرب‌زده‌ها؛ این مشکلات و گره‌ها نشانه‌های بارزی از ناکارآمدی نظام مدیریتی اسلام را به نمایش گذاشته است؛ آن‌ها پا را از این هم فراتر گذاشته و با هدف قرار دادن تفکر انقلاب، مشکلات و گره‌ها را معلول ضعف و ناتوانی ذاتی تفکر انقلاب برای رفع گرفتاری‌ها معرفی می‌کنند و لذا با نوعی بن‌بست نمایی، تنها راه خارج شدن از این بن‌بست موهوم را کنار گذاشتن تفکر انقلاب و برگشت به مسیر غرب‌گرایی معرفی می‌کنند.

شاخص (۲)، چیرگی بر ساختارهای بین‌المللی مالی

ارزیابی دولت بایدن این است که تحریم‌های قبلی بسیار موفق بودند و به همین دلیل حداقل در یک سال آینده فشار حداکثری ناشی از تحریم‌ها و تضعیف قدرت و توان ملی ایران را برای تداوم مذاکرات و در راستای مسدود کردن تمامی روزه‌ها و کانال‌های مالی کشور در دستور کار خود حفظ خواهد نمود. آمریکا تلاش خواهد کرد از یک طرف بازار صادرات نفت ایران را نابود کند و از سوی دیگر به‌طور هم‌زمان هرگونه کانال مبادله ارزی با ایران را که از طریق دور زدن تحریم‌ها، ارز در اختیار کشور قرار می‌دهد را نیز مسدود کند (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۸: منابع اینترنتی).

شاخص (۳)، چیرگی بر ساختارهای سیاسی جهان

آنچه مسلم است نظام جهانی پیش از ورود به جهان چندقطبی یا مرکب، دوران گذاری را به سوی آشفتگی تجربه خواهد کرد؛ لذا لازم است کشورهای جهان، از جمله ج.ا.ایران، درصدد افزایش آمادگی خود برای رویارویی با انواع تهدیدات جدید ناشی از این وضعیت برآیند و منطقه‌گرایی یکی از بهترین راهبردها در این رابطه خواهد بود (آهویی، حسینی، ۱۳۹۵: ۵۱).

محور دوم، تحلیل شرایط بازیگر هدف (ج.ا.ایران):

شاخص (۴)، عدم ریشه‌یابی عمیق تهدیدات بالقوه

ج.ا.ایران با طیف وسیعی از تهدیدات مواجه است که به واسطه گوناگونی و تطور ماهیت و پیچیدگی، نمی‌توان تمامی آن‌ها را به‌طور یک‌باره مورد بررسی قرار داد و توجه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی را به‌طور هم‌زمان بر روی آن‌ها متمرکز نمود؛ از مهم‌ترین تهدیدات بالقوه می‌توان به تهدیدات سایبری در حوزه نظامی و اطلاعاتی، تهدیدات ناظر بر فضای اقتصاد کلان، بحران ناکارآمدی نظام اداری و اقتصادی، بحران‌های ناظر بر حاکمیت ملی، وابستگی اقتصادی، آسیب‌های اجتماعی، بحران هویت، بحران‌های قومیتی - مذهبی، فساد اقتصادی - اداری، بحران آب، بحران ارزش‌ها و فرهنگ ناهنجار، بحران‌های ناشی از

فناوری‌های جدید، بحران‌های مربوط به حوزه علم و فناوری، بحران هوا، بحران‌های ناظر بر سلامت عمومی و بحران‌های ناظر بر منابع تجدیدناپذیر اشاره نمود.

شاخص (۵)، عدم اطمینان از حمایت شرکای راهبردی کشور

هرچند سیاست خارجی ایران در اجرای سیاست‌های امنیتی در محیط پیرامونی و منطقه‌ای خود عملکرد نسبتاً موفق داشته؛ اما عملاً در استقرار نظم سیاسی مطلوب به چند دلیل در این محیط موفقیت چندانی نداشته است: ۱- وابستگی کشورهای همسایه و یا در وضعیت زوال بودن آن‌ها؛ ۲- فقدان اشتراک ایدئولوژیک فراملی ایران با دیگر کشورهای منطقه؛ ۳- تحریم‌های سازمان ملل و کشورهای قدرتمند جهان علیه ایران (سریع‌القلم، ۱۳۹۹: ۴).

شاخص (۶)، فرهنگ شدن ساختار فساد اداری

تا به امروز برنامه‌های بسیاری برای مبارزه با فساد اداری در کشور طراحی شده و به اجرا در آمده است؛ اما به دلایل زیادی در این رابطه موفقیت اندکی حاصل گردیده است: مجازات نشدن سوءاستفاده‌کنندگان و شرکت‌کنندگان در فساد اداری؛ خودفروختگی افراد و مقامات اداری در آن بخش‌هایی از ساختار سیاسی و اداری که باید - به اصطلاح - با فساد اداری مبارزه کنند؛ وجود کارکرد مثبت فساد اداری برای نخبگان اداری و گروه‌های متنفذ و قدرتمند اقتصادی که در عمل به صورت نهادی برای توزیع مجدد درآمدها به سود این نخبگان عمل می‌کند؛ نظام‌مند نبودن و عدم استمرار برنامه‌ها و نظارت دستگاه‌های دولتی و حکومت‌های مختلف در رابطه با مبارزه علیه فساد اداری؛ تأکید بر تنبیه و مجازات متخلفان به جای تأکید بر رویه‌های پیش‌گیرانه از بروز فساد از جانب مسئولان ذیربط (قادری، ۱۳۹۸: ۳۶).

محور سوم، تحلیل شرایط محیطی:

شاخص (۷)، ائتلاف‌سازی علیه کشور

ترامپ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا با همه دیدگاه‌هایش به همان سیاست‌های قبلی آمریکا تکیه کرده و بازی در سناریوی ایران‌هراسی را در همان مدار گذشته دنبال می‌کرد،

دولت بایدن رئیس جمهور کنونی آمریکا نیز برای رسیدن به همین هدف از واژه‌ای ساختگی به نام «خطر ایران» استفاده کرده است، شکی نیست که هدف از همه این تحرکات، وابسته کردن امنیت کشورهای منطقه به آمریکا بوده است (سیفی، پورحسن، ۱۳۹۹: ۸۳).

شاخص (۸)، اختلاف فاحش قیمت ارز با واحد پول ملی

چنانچه کشوری با کمبود ذخایر ارزی مواجه شود، برای تأمین نیازهای وارداتی خود به ناچار می‌باید از مجامع، کشورها یا بانک‌های بیگانه وام بگیرد؛ لذا سیاست تعیین نرخ ارز، تنظیم کننده جریان ورود و خروج ارز در اقتصاد ملی است (حسین‌زاده، حقیقت، ۱۳۹۶: ۱۳۴)؛ این در حالی است که افزایش یک‌باره نرخ ارز و افزایش اختلاف برابری آن با پول ملی موجب برهم خوردن این موازنه و بروز نابسامانی‌های شدید اقتصادی در کشور گردید.

د: راهبرد «جنگ ترکیبی»

این راهبرد متضمن اجرای فشارهای اقتصادی، سیاسی، نظامی، حملات سایبری و ایجاد جنگ در مناطق نفوذ کشور هدف به منظور تغییر نظام سیاسی و یا فروپاشی سامان سیاسی آن کشور می‌باشد؛ مؤلفه‌های اصلی این راهبرد به شرح جدول شماره ۵ است:

جدول شماره (۵) - مؤلفه‌های اصلی راهبرد جنگ ترکیبی (محققان)

شرایط محیطی	شرایط ناظر بر بازیکر هدف	شرایط ناظر بر بازیکر عامل	هدف راهبرد	
۷. ضعف در زیرساخت‌های مخابراتی	۴. عدم وجود پروژه‌های راهبردی مشترک‌المنافع با همسایگان	۱. اعمال تحریم توسط شرکا	- براندازی نظام - نابودی نظام اقتصادی کشور	راهبرد «جنگ ترکیبی»
۸. ضعف در زیرساخت‌های مالی	۵. وجود اختلافات قومی به عنوان بستر اصلی نفوذ	۲. قدرت ائتلاف‌سازی بین‌المللی	- نابودی نظام سیاسی کشور - استحاله توان سامانه اطلاعاتی	
	۶. نیاز به ایجاد وابستگی همسایگان به تأمین انرژی	۳. چیرگی بر بستر جهانی وب	- احصای خلأهای مدیریت بحران	

با توجه به جدول فوق، کاربست این راهبرد منوط به وجود ۸ شاخص در چهار محور اصلی به شرح زیر است:

محور اول، تحلیل شرایط بازیگر عامل (آمریکا):

شاخص (۱)، اعمال تحریم توسط شرکا

از نظر برخی سیاست‌گذاران آمریکایی؛ اعمال تحریم علیه ایران یکی از سازوکارهایی است که می‌تواند به گمان آن‌ها، به اصلاح ناپذیرفتنی ایران بیانجامد. بر مبنای سیاست تحریم و مجازات‌های رفتار اقتصادی ایالات متحده علیه کشورها، قانون مجازات‌های ایران و لیبی (داماتو) در سال ۱۹۹۶ به تصویب رسید. (خلیلی، صلواتی، ۱۳۹۶: ۱۲۵)

تحریم‌هایی که اتحادیه اروپا در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ به تصویب رساند، مهم‌ترین و شدیدترین تحریم‌های این اتحادیه علیه ایران محسوب می‌شود. ممنوعیت واردات نفت از ایران و مسدود کردن دارایی‌های بانک مرکزی ایران از مهم‌ترین موارد تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران می‌باشد؛ اما واکاوی تأثیرات رژیم تحریم بر اتحادیه اروپا و کارایی اعمال تحریم بر ج.ا.ایران نشان داد که رژیم تحریم‌ها هم بر کشورهای فاعل و هم بر کشور هدف دارای تبعات فراوانی بوده است، در مورد کشور هدف آنچه اهمیت دارد کارایی تحریم‌هاست (جعفری، ۱۳۹۴).

شاخص (۲)، قدرت ائتلاف‌سازی بین‌المللی

با توجه به اینکه اقدام نظامی علیه ج.ا.ایران، نیازمند حمایت و پشتیبانی افکار عمومی، همکاری متحدان راهبردی و حمایت افکار عمومی جهان در حمله به ایران به‌عنوان کشوری موجد نامنی در جهان است؛ لذا آمریکایی‌ها به انحاء مختلف تلاش نمودند تا ائتلافی متشکل از متحدین منطقه‌ای خود را در برابر ایران شکل دهند؛ اما با توجه به توانمندی نظامی ایران برای مقابله با حمله احتمالی از سوی آمریکا؛ هرگونه اقدامی از سوی این کشور و یا ائتلاف آمریکایی بدون شک باعث شکل‌گیری جنگی تمام‌عیار در

منطقه خواهد شد که علاوه بر پیامدهای امنیتی و سیاسی، مصائب اقتصادی بزرگی نیز برای آمریکا و اقتصاد سرمایه‌داری با خود به همراه خواهد داشت (باوند، ۱۳۸۶: ۶۷).

شاخص (۳)، چیرگی بر بستر جهانی وب

راهبرد آمریکا در جنگ نرم بر اساس دیپلماسی سیاه بیشتر از طریق مؤسسه «خطر جاری» و مؤسسه «هوور» که به دنبال شکل‌دهی به انقلاب‌های مخملی است، صورت می‌پذیرد؛ در این دیپلماسی، دولت آمریکا بدون جنگ و خونریزی، حکومتی را ساقط و حکومت دیگری را جانشین آن می‌کند. روش اجرای این سیاست کاملاً عادی است و روابط دیپلماتیک بدون اعمال هیچ‌گونه تحریمی برقرار است؛ در چنین شرایطی مشکل به داخل کشور بر می‌گردد و مردم دولتمردان خود را عامل بروز نارضایتی می‌دانند، روشی که بیشتر مورد بهره‌برداری دمکرات‌های آمریکا قرار می‌گیرد. (صیاد، بزرگمهر، امینی، طاهری، ۱۳۹۹: ۳۱۱)

محور دوم، تحلیل شرایط بازیگر هدف (ج.ا.ایران):

شاخص (۴)، عدم وجود پروژه‌های راهبردی مشترک‌المنافع با همسایگان

فشار حداکثری که ترامپ از اردیبهشت ۱۳۹۷ علیه کشورمان به اجرا درآورد، موجب شد تا بسیاری از ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری تهران در حوزه روابط خارجی با همسایگان تحت تأثیر قرار بگیرد و ظرفیت مبادلات تجاری میان ایران و همسایگان که از سوی کارشناسان اقتصادی بین ۴۰ تا بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار در سال برآورد شده بود، غیرعملیاتی گردد.

بسیاری از کارشناسان بر این باورند که ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از اشتراکات و پتانسیل بالایی برای همکاری و ترمیم روابط بهره‌مند هستند؛ متأسفانه در نبود یک گفتمان سازنده و کارساز تنها گفتمان غالب، گفتمان امنیتی است و در همین راستا کشورهای حاشیه خلیج فارس هرگونه تحول در سیاست خارجی ایران را به ضرر خود ارزیابی می‌کنند.

شاخص (۵)، وجود اختلافات قومی به‌عنوان بستر اصلی نفوذ

گرایش‌های قومی در ایران همواره مورد توجه قدرت‌های خارجی قرار داشته و از اصلی‌ترین ابزار اعمال فشار بر حکومت بوده است. در اغلب بحران‌های جدایی‌طلبانه و یا چالش‌های قوم‌گرایانه، علایق قومی دست‌مایه دخالت نیروهای بیگانه در سرنوشت کشور و تضعیف حاکمیت ملی توسط گروه‌های قومی به نفع قدرت‌های غربی و شرقی بوده است. تنوع اقوام در راهبردهای فروپاشی و تجزیه یک نظام سیاسی همواره به‌عنوان یک مؤلفه کلیدی مورد توجه واقع شده و اقوام ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نبوده تا جایی که گراهام فولر مسئله قومیت را پاشنه آشیل (چشم اسفندیار) ایران معرفی می‌کند.

شاخص (۶)، نیاز به ایجاد وابستگی در همسایگان به تأمین انرژی

ایران با برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز در جهان و تجربه طولانی در حوزه انرژی و موقعیت جغرافیایی مناسب در خلیج فارس و دریای خزر و همسایگی با آسیای مرکزی، در صورت پیگیری الگویی از دیپلماسی انرژی فعال به‌ویژه با نظر به بازارهای بالقوه آینده در کشورهای در حال توسعه از امکان ایجاد پیوند میان منابع انرژی خود با طیف متنوعی از مصرف‌کنندگان آسیایی، اروپایی و آفریقایی برخوردار است؛ علاوه بر این، با صادرات فرآورده‌های نفتی، گاز و برق ایران می‌تواند وابستگی کشورها را به خود بیشتر کند و باعث ایجاد یک دیپلماسی مقتدرانه و قدرتمند در منطقه گردد.

محور سوم، تحلیل شرایط محیطی:

شاخص (۷)، ضعف در زیرساخت‌های مخابراتی

در چهار دهه گذشته صنعت مخابرات افول کم‌سابقه‌ای داشته؛ به‌گونه‌ای که تعداد شرکت‌های فعال به کمتر از انگشتان دو دست رسیده است؛ ضمن اینکه این شرکت‌ها هم غالباً در زمینه‌های نظامی فعالیت می‌نمایند. در سال‌های اخیر بیش از ۷۰ درصد تجهیزات

مخابراتی کشور از شرکت‌های خارجی و غالباً شرکت‌های چینی تأمین شده است که مشکلات عدیده‌ای را به این صنعت اضافه نموده‌اند: ضعف تحقیق و توسعه، مشکلات زنجیره تأمین، تکیه بر بازارهای محدود داخلی، تعدد تولیدکنندگان و مقیاس پایین تولید.

شاخص (۸)، ضعف در زیرساخت‌های مالی

با وجود اهمیت و آثار مثبت سرمایه‌گذاری خارجی که می‌تواند فرایند حرکت به‌سوی جهانی‌شدن اقتصاد را تسریع کند، متأسفانه سهم ایران از سرمایه‌گذاری خارجی بسیار ناچیز بوده است؛ البته توجه به این نکته ضروری است که تأمین مالی از مسیر سرمایه‌گذاری خارجی در شرایطی که کشور سال‌ها از عرصه‌های بین‌المللی و مزایای همکاری با شرکای خارجی دور مانده است، نیازمند اقداماتی برای اعتمادسازی است؛ اعتمادسازی در دو مرحله: نخست به‌منظور جلب توجه و ورود به اقتصاد و سپس حمایت از حضور فعالانه سرمایه‌گذاران خارجی که مرحله نخست از مسیر سیاسی و قانون‌گذاری اجرایی می‌شود و در مرحله دوم که مهم‌تر از گام نخست است توجه به مسائل اقتصادی و فضای کسب‌وکار حائز اهمیت است.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع «کاربردی و توسعه‌ای» است و به روش توصیفی-تحلیلی (موردی-زمینه‌ای) انجام گردیده است؛ برای گردآوری اطلاعات موردنیاز از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش از بین فرماندهان، مدیران، صاحب‌نظران و پژوهشگران نیروهای مسلح و سازمان‌های کشوری در حوزه مدیریت راهبردی، روابط بین‌الملل و امنیت ملی بوده و با توجه به تخصصی بودن موضوع تحقیق و محدودیت وجود افراد صاحب‌نظر و خبره مرتبط با موضوع تحقیق، به‌صورت هدفمند تعداد ۴۴ نفر برآورد شده است. نظر به اینکه حجم جامعه آماری کمتر از ۱۰۰ نفر بوده؛ بنابراین جامعه نمونه منطبق بر جامعه آماری و به‌صورت تمام شمار انتخاب شده

است. حجم جامعه نمونه برای داده‌های کیفی به صورت هدفمند، همگون و گلوله برفی تا اشباع نظری می‌باشد. محقق برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از روش تحلیل محتوا و گفتمان استفاده و پس از مصاحبه عمیق با خبرگان موضوع، نسبت به طراحی جداول تحلیلی نظر بر شرایط کاربست هر راهبرد اقدام و در ادامه با روش تحلیلی شرایط مزبور را در خصوص سیاست‌های دولت بایدن کنترل و در نهایت نتیجه‌گیری نموده است. در این پژوهش؛ پنج راهبرد دولت جو بایدن شامل: «مهار دو جانبه و منزوی سازی»، «تحریف»، «بحران و آشوب»، «فشار حداکثری» و «جنگ ترکیبی» در قالب شاخص‌های متعدد و در جداولی با مضامین هدف راهبرد، شرایط ناظر بر بازیگر عامل، شرایط ناظر بر بازیگر هدف و شرایط محیطی امکان‌سنجی گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

با توجه به گویه‌های بررسی شده، راهبردها و نقشه‌های کلان و عملیاتی آمریکا در دوره جو بایدن علیه ج.ا.ایران مورد استفاده قرار گیرند احتمالاً بدین ترتیب خواهند بود: یک، استمرار تحریم‌های مرحله‌ای و پیوسته با هدف شکستن مقاومت مردمی؛ این هدف با روش‌هایی از جمله خسته کردن مردم، تحریک مردم برای مقابله با نظام و تغییر محاسبات مسئولین صورت می‌گیرد. بهانه‌هایی که برای تشدید تحریم‌ها وجود دارد عبارتند از: برجام، فعالیت‌های هسته‌ای، نقض حقوق بشر، سرکوب مخالفان، حضور و نفوذ در منطقه، حمایت از تروریسم، تهدید علیه امنیت سایبری و فعالیت‌های موشکی؛ پیامد این شیوه، ناکارآمد نشان دادن نظام، اختلال در پیشرفت کشور، نهادینه‌سازی اعتراضات به صورت نفرت عمومی، ایجاد اختلال و شکاف در سطح جامعه، ریزش سرمایه‌های اجتماعی نظام در حوزه‌های مختلف، بالا رفتن نرخ آسیب‌های اجتماعی، توانمندسازی نیروهای خشن نظام از طریق اجماع‌سازی و حمایت مالی و امنیت‌سازی نظام در سطوح داخلی و بین‌المللی.

دو، بی‌اعتمادی مردم به مسئولین با ایجاد آشفتگی سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی و مدیریت مواضع مسئولین از طریق ایجاد شبهات محاسباتی در مسئولین، ایجاد یأس و ناامیدی، ناکارآمد نشان دادن نهادهای انقلابی، تضعیف اقتدار و عزت ملی در عرصه‌های مختلف علمی - سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی و اعلام نهادینه شدن فساد در دستگاه‌های دولتی. سه، احیای سکولاریسم و دین‌مداری منهای انقلاب از طریق تغییر ذائقه فرهنگی مردم، ترویج فرهنگ غربی و سبک زندگی، حجاب اختیاری، ترویج اباحه‌گرایی و تخریب روحانیت، انحراف فکری، اعتقادی و تغییر باورها و مبانی جبهه انقلاب و تضعیف باورهای مردم.

چهار، طرح مذاکره و آشتی و سازش به جای مقاومت از طریق تغییر «تقابل اعتقادی و مبانی» به «تقابل استراتژیک» و تغییر «گفتمان مقاومت» به «گفتمان سازش» و فرسایش ظرفیت‌های نظام.

پنج، انقلاب‌زدایی از طریق مفاهیم و اصطلاحات مربوط به منافع ملی و آزادی، تضعیف نهادهای برآمده از انقلاب، هدف‌گذاری بر روی مدیران و حتی شخصیت‌ها و مقابله با نفوذ معنوی انقلاب.

شش، دوقطبی و چند قطبی‌سازی در راستای تقابل با دشمن با استفاده از ابزار انتخابی «استقلال یا توسعه و پیشرفت»، «انقلاب‌گرایی یا اعتدال» و «اسلامی یا ایرانی».

هفت، ایجاد همبستگی بین جریان مخالفین در داخل و خارج: اپوزیسیون برخلاف سال‌های گذشته که به اغتشاشات دامن می‌زد، با حمایت سرویس‌های بیگانه، درصدد ایجاد بحران پیچیده و چندلایه و مرکب است و قصد دارد کاری کند تا نظام را از داخل وادار به تغییر نماید. هشت، القای اختلاف بین قوای سه‌گانه،

نه، بهره‌گیری از حره دفاع از حقوق بشر در کنار موضوع هسته‌ای؛ آمریکا با ترکیبی از شیوه‌های نرم و سخت و به‌صورت ترکیبی تلاش خواهد نمود تا نظام را به این جمع‌بندی برساند که توانایی ایستادگی در مقابل تحریم‌ها را ندارد و باید پای میز مذاکره بنشیند. در شکل نرم به‌صورت اختلال در نظام و پیوند زدن نارضایتی و اعتراضات صنفی به مسائل امنیتی و در شکل سخت، با ناامن کردن مرزها و

راهکارهای پیشنهادی در مقابله با تهدیدات آمریکا

الف. اقدامات تقویت‌کننده مؤلفه اقتصادی

- ایجاد نظام‌های منطقه‌ای برای کنترل و مدیریت بحران‌ها؛
- بازتعریف نیازمندی‌های نیروهای مسلح ج.ا.ایران برای جهاد دانشگاهی‌های صنعتی کشور؛
- بهره‌برداری از فناوری‌های نوین داخلی در حوزه‌های مختلف فنی، صنعتی و ...؛
- اولویت‌بندی شرکای تجاری در حوزه تجهیزات و فناوری‌های نظامی با تأکید بر کشورهای همسو در بُعد ایدئولوژیک.

ب. اقدامات تقویت‌کننده مؤلفه امنیتی - نظامی

- افزایش قدرت بازدارندگی با تقویت توان هوایی و موشکی؛
- تحکیم پیوند میان نیروهای مسلح و جلوگیری از بروز یا تعمیق شکاف میان آن‌ها؛
- ایجاد چرخه منظم گردش نخبگان در سطوح مختلف فرماندهی؛
- افزایش توانایی‌های نیروهای مسلح ج.ا.ایران با ترکیب توان و انرژی نیروهای جوان و تجربه فرماندهان قدیمی؛
- برقراری اتحادهای دفاعی و امنیتی با کشورهای منطقه؛
- برگزاری رزمایش‌های مشترک هوایی و پدافندی براساس سناریوهای تهدید؛
- دستیابی به تجهیزات و فناوری‌های به‌روز برای توسعه عملیات آفند اطلاعاتی؛
- کمک همه‌جانبه به سامانه‌های اطلاعاتی کشور جهت کشف و شناسایی پدیده‌های امنیتی؛
- توسعه دیپلماسی دفاعی به ویژه با همسایگان؛
- ارتقاء سطح توانمندی تخصصی کارکنان در حوزه‌های اطلاعاتی و سایبری؛
- حفظ امنیت زیرساخت‌های عمده کشور از خطر اقدامات تروریستی؛
- مدیریت منسجم فعالیت‌های سایبری و رصد مستمر و هدفمند فضای سایبری.

پ. اقدامات تقویت‌کننده مؤلفه سیاسی - اجتماعی

- توجه به الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی؛
- تقویت تاریخ و بنیان‌های تمدنی مشترک ملت جهت هم‌افزایی و انسجام سیاسی و اجتماعی؛
- همکاری با سایر نهادهای مرتبط جهت توسعه مناطق محروم و کمتر برخوردار؛
- تشکیل کارگروه ویژه برای انسجام و فعال‌سازی نخبگان و خواص با تنظیم یک راهبرد مشخص.

نتیجه‌گیری

آمریکا به دنبال اقدام نظامی مستقیم با ایران نیست و به همین دلیل آغازگر جنگ نمی‌باشد؛ اما به‌منظور هم‌راستاسازی اروپا با اهداف خود ممکن است به دنبال شرایطی باشد که ایران جنگ را آغاز کند. آمریکا با اعمال محدودیت و تحریم به دنبال آن است تا ج.ا.ایران یا خود آغازگر جنگ باشد و یا حداقل از طریق گروه‌های نیابتی خود مانند حزب‌الله، جنگ را آغاز نماید. با توجه به رهنامه دفاعی ج.ا.ایران که تدافعی و مبتنی بر بازدارندگی است؛ امکان آغاز جنگ سخت نظامی بین آمریکا و ایران در سال پیش رو حتی به صورت نیابتی متصور نمی‌باشد؛ هرچند در فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جمع فرماندهان سپاه پاسداران که در آذرماه ۹۷ بیان شد؛ معظم‌له تغییر این رویکرد به آفندی را در شرایط ضروری مورد تأکید قرار دادند تا اجازه هیچ‌گونه تعدی را به دشمن ندهد.

در حال حاضر در برخی از حوزه‌ها مثل اقتصاد، فرهنگ، سیاست، سایبر، فضای مجازی، امنیتی (گروه‌های تروریستی و اقلیت‌های واگرا)؛ اپوزیسیون‌ها جهت کاهش مشروعیت نظام و ایجاد نافرمانی مدنی، بین آمریکا و ایران جنگ ترکیبی را آغاز نموده‌اند؛ به عبارت دیگر جنگ نرم و نیمه‌سخت آمریکا با ایران آغاز شده؛ اما به نظر می‌رسد این جنگ حداقل طی سال آینده در همین سطح باقی خواهد ماند و به سطح اقدام نظامی نخواهد رسید.

بر این اساس؛ راهبردها و سناریوهای محتمل آمریکا علیه ج.ا.ایران در سال ۲۰۲۲ بدین ترتیب خواهد بود:

راهبرد اول - تداوم تحریم جنگ اقتصادی: قراین و شواهد آن اعمال تحریم‌ها و محدودیت‌های فلج‌کننده که معیشت و رفاه مردم را هدف قرار داده است. تداوم تحریم‌ها، رکود و تورم را بر کشور حاکم نموده و تنها راه مبارزه با آن، توجه اقتصاد درونزای داخلی از طریق رونق تولید داخلی و پیاده‌سازی راهبردهای اقتصاد مقاومتی است.

راهبرد دوم - امنیتی‌کردن موضوع ایران: قراین و شواهد آن برگزاری نشست‌های متواتر با سران طالبان بدون توجه به خواسته‌های دولت مرکزی افغانستان و تقویت حضور داعش در این کشور می‌باشد که مانع از ایجاد صلح فراگیر در افغانستان شده و با توجه به خروج نیروهای آمریکایی از این کشور ج.ا.ایران را در شرق دچار مشغول‌سازی‌های امنیتی و نظامی خواهد نمود.

راهبرد سوم - کاهش مشروعیت داخلی نظام: دشمنان نظام از طریق فضای مجازی به دنبال این هستند که حضور مردم را در صحنه‌های سیاسی کشور کاهش دهند (انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ نمونه بارزی از این تلاش ناکام بود) و از طرفی با ایجاد اختلاف بین مسئولین و همچنین ایجاد بدبینی مردم نسبت به مسئولین، باعث کاهش استحکام داخلی و کاهش مشروعیت نظام شوند.

راهبرد چهارم - ایجاد نافرمانی مدنی: آمریکا به دنبال استمرار مشکلات معیشتی و پیوند زدن آن با مسائل سیاسی است، ترکیبی از فتنه سال ۱۳۸۸ با حوادث سال ۱۳۹۶؛ آمریکا از طریق فشارهای اقتصادی و اعمال تحریم‌های ظالمانه به دنبال آن است تا مردم و به-خصوص قشر ضعیف جامعه را از طریق ایجاد نافرمانی مدنی در مقابل نظام قرار دهد.

راهبرد پنجم - تقویت اپوزیسیون‌ها و اقلیت‌های واگرا: قراین و شواهد این سناریو آن است که منافقین را از فهرست گروه‌های تروریستی خارج نموده و در مقابل، حزب‌الله را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده است. آمریکا با ایجاد اختلافات قومی - مذهبی و تقویت گروه‌های واگرا به دنبال اجرای «جنگ هویتی» در داخل مرزهای ج.ا.ایران است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- آقایی، سیدداوود (۱۳۸۸)، نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران: نشر نسل نیکان.
- آهویی، مهدی (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر راهبرد اتحادهای آمریکا در خاورمیانه و گزینه‌های محتمل در قبال ایران»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، ش ۲۳.
- آهویی، مهدی؛ حسینی، دیاکو (۱۳۹۵)، «افول هژمونی آمریکا: معنای انتقال قدرت در نظام جهانی و الزامات سیاست‌گذاری»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۶، ش ۲۰.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۸)، «دو چهره اسلام‌هراسی؛ سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب»، رسانه، ش ۷۹.
- افتخاری، اصغر؛ خیراتی، عباس (۱۳۹۸)، «راهبردهای پساجامی آمریکا علیه امنیت ملی ج.ا.ایران»، فصلنامه امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، س نهم، ش ۳۳.
- اکبری، محسن؛ دوستار، محمد (۱۳۹۴)، «شناسایی و اولویت‌بندی تهدیدات شبکه‌های اجتماعی در عرصه امنیت ملی»، مجله سیاست دفاعی، س بیست و سوم، ش ۹۰.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۴)، «سیاست خارجی منطقه‌ای ایران (بخش اول)»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س هفتم، ش ۱۱-۱۲.
- باوند، داود (۱۳۸۶)، «ایران در چنبره بحران‌های آمریکا: فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، س نهم ش ۱.
- برزنونی، محمدعلی؛ فرهادی، فرشید (۱۳۹۹)، «آینده‌پژوهی راهبردهای آمریکا برای مقابله با ایران بر پایه سناریونویسی»، فصلنامه آفاق امنیت، ش پیاپی ۴۶.
- جعفری، جعفر (۱۳۹۴)، «سیاست تحریم اتحادیه اروپا علیه ایران»، شرکت پژوهشی طرود شمال با حمایت سیویلیکا، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم (IECEUS01).
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- حسین‌زاده‌یوسف‌آباد، سیدمجتبی؛ حقیقت، علی (۱۳۹۶)، «اثر سیاست پولی بر نرخ ارز در ایران با استفاده از الگوی خود همبسته با وقفه توزیع شده»، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۷، ش ۲۵.

- خلیلی، محسن؛ صلواتی، فاطمه (۱۳۹۶)، «گسترده‌سازی و استمرار تحریم‌ها علیه ایران، بنیان زیرنظری سازوکار تحریم/توازن در ساختار نظام بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات اقتصادی سیاسی بین‌الملل، ش اول.
- دهقان، یاسر (۱۳۹۷)، «بی‌اعتمادی اجتماعی به رسانه و نقش آن در بروز آسیب‌های اجتماعی» (NCP SH01)، مجتمع آموزش عالی فنی و مهندسی اسفراین با حمایت سیویلیکا، اولین کنگره پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.
- زارعی، سعیدالله (۱۳۹۸)، «واکاوی فتنه اغتشاشات اخیر و حکمت ورود رهبری»، مجله پاسدار اسلام، ش ۴۵۳ و ۴۵۴.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۷)، «چرایی ظهور دیپلماسی نوین در بستر متحول نظام جهانی»، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۰، ش ۳۷.
- سهرابی، محمد (۱۳۹۶)، «تهاجم نظامی آمریکا به عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران»، فصلنامه علمی مطالعات بین‌الملل، دوره دهم، ش ۳۸.
- سیفی، عبدالمجید؛ پورحسن، ناصر (۱۳۹۹)، «موازنه همه‌جانبه و ائتلاف‌سازی عربستان سعودی در قبال ج.ا.ایران»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۸، ش ۲۶.
- صیاد، محمدکاظم؛ بزرگمهر، علی؛ امینی، آرمین؛ طاهری، ابوالقاسم (۱۳۹۹)، «تهدیدهای سایبری و اقدامات امنیتی در فضای مجازی؛ بررسی رویکردهای ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، س دهم، ش ۳۸.
- عباسی‌خوشکار، امیر (۱۳۹۹)، «راهبرد پژوهی سیاست مهار ایران در رویکرد دونالد ترامپ و جو بایدن»، تارنمای پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- قادری، مهدی (۱۳۹۸)، «فساد اداری در ایران؛ تحلیلی جامعه‌شناختی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش ۱۳۸.
- کریمی، غلامرضا (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات همایش اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر: علل، روندها و راه‌حل‌ها، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- ماه‌پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹)، «سلاح‌های رسانه‌ای آمریکا در جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، ش ۲۷.

- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون‌شونده، چ اول، تهران: نشر نی.
- منتظران، جاوید (۱۳۹۸)، «آثار حقوقی بین‌المللی تروریستی نامیدن سپاه»، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ش مسلسل ۳۳۰۰۸۰۲.

ب. سایت‌ها

- متقی، ابراهیم (۱۳۹۹)، قابل دسترسی در: <https://www.basirat.ir/fa/news>
- روزنامه آفتاب‌یزد ۱۴۰۰/۲/۴
- نیویورکر، ۲۰۰۸
- <https://www.Asia News Monitor; Bangkok 19 Nov 2020>
- <https://www.Asia News Monitor; Bangkok 09 Feb 2021>
- <https://www.Asia News Monitor; Bangkok 22 Feb 2021>
- <https://www.Asia News Monitor; Bangkok 01 Mar 2021>
- <http://www.css.ir>
- [https://www.El-Fekki, Amira; \(26 Feb 2021\).Sune Engel Rasmussen.Wall Street Journal; New York](https://www.El-Fekki, Amira; (26 Feb 2021).Sune Engel Rasmussen.Wall Street Journal; New York),
- <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3538538>.
- <https://www.dw.com/fa-ir/iran/a-49272009>
- <https://www.icana.ir> خبرگزاری مجلس شورای اسلامی
- <https://www.leader.ir/fa/content/23520/www.leader.ir>
- <https://www.mashregnews.ir/news/968643/>.
- <https://www.rouydad24.ir/000toH>.

